



زهرایزادبهرام:

مسأله کاهش مهریه هم دختران و هم زنان را دچار دغدغه‌هایی درباره موضوع پشتوانه اقتصادی می‌کند و این اتفاق اصلاً پیامدهای خوبی را به دنبال ندارد. با این چنین فشاری بار حقوقی و اقتصادی زندگی کاملاً بردوش زنان می‌افتد کما اینکه بار اجتماعی سنگینی هم در حال حاضر بر زنان تحمیل شده است.

مقایسه مهریه در ایران با چند کشور مسلمان

قوانین و پیامدهای حقوقی

حق‌ی که به‌کردن مردان است



مریم بهادری

حقوقدان و پژوهشگر

مهریه، به‌عنوان یک حق مالی برای زن در عقد نکاح اسلامی [ازدواج مسلمانان]، در کشورهای مختلف با نظام‌های حقوقی متفاوت اجرا می‌شود. در ایران، بر اساس ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، مهریه مالی است که به محض وقوع عقد، زن مالک آن شده و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن داشته باشد. مهریه می‌تواند شامل اموال منقول یا غیرمنقول، پول نقد، سکه طلا یا حتی آموزش مهارت باشد، مشروط براینکه ارزش مالی داشته و قابل تملک باشد. قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، سقف ۱۱۰ سکه بهار آزادی را در ماده ۲۲ برای اجرای کیفری (حبس) در نظر گرفته است. اگر مهریه تا این میزان باشد و مرد از پرداخت خودداری کند، زن می‌تواند تقاضای حبس کند، مگر اینکه مرد اعسار (ناتوانی مالی) خود را اثبات کند. برای مهریه بیش از ۱۱۰ سکه، تنها در صورت اثبات توانایی مالی مرد، امکان مطالبه وجود دارد و حبس اعمال نمی‌شود. همچنین، لازم به ذکر است زن در نظام حقوق مدنی ایران از «حق حبس» برخوردار است، یعنی مطابق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی می‌تواند تا دریافت مهریه از تمکین خودداری کند، بدون اینکه حق نفقه‌اش ساقط شود.

در کشور ترکیه اما به دلیل ساختار حقوقی متفاوت، مهریه تنها به‌صورت سنتی در فرهنگ اسلامی جامعه وجود دارد، با این حال در قانون مدنی این کشور جایگاه رسمی ندارد. در واقع به‌جای مهریه، توافقات مالی در قراردادهای ازدواج یا پرداخت نفقه پس از طلاق رایج است. بر اساس قانون مدنی ترکیه (ماده ۱۲۳)، زوجین می‌توانند توافقات مالی را در قرارداد ازدواج ثبت کنند، اما پرداخت نکردن این تعهدات معمولاً منجر به حبس نمی‌شود و از طریق توقیف اموال یا کسر از درآمد پیگیری می‌شود (آخرین مصوبه ۲۰۱۹). در ترکیه هیچ الزام شرعی برای مهریه وجود ندارد و این موضوع به توافق طرفین و صرفاً از وجه قراردادی ازدواج است که در صورت پرداخت نکردن، دعاوی مدنی مطرح می‌شود و حبس به‌عنوان مجازات معمول نبوده اما توقیف اموال، تسبیط و دریافت ضمانت رایج است.

جالب اینجاست که در کشور مصر، مهریه (مهر) به دو بخش تقسیم می‌شود: «مهر مقدم» که در زمان عقد پرداخت می‌شود و «مهر مؤخر» که در صورت طلاق یا فوت شوهر پرداخت می‌شود و به نوعی یک تضمین مالی پس از ازدواج است (قانون ۲۰۰۷). همچنین بر اساس قانون احوال شخصی مصر، مهریه یک حق مالی الزام‌آور است و زن می‌تواند آن را از طریق دادگاه مطالبه کند و در صورت پرداخت نکردن، دادگاه می‌تواند اموال مرد را توقیف کند، اما حبس به‌طور مستقیم برای پرداخت نکردن مهریه اعمال نمی‌شود، مگر در مواردی که مرد عمداً از اجرای حکم دادگاه سر باز زند. در واقع حبس زوج در مصر به‌صورت مشروط به شرایط خاص اعمال می‌شود و بیشتر بر توافقات مالی در زمان طلاق تمرکز دارد.

در نظام حقوقی مالزی، مهریه (ماس کاهوین) به‌عنوان هدیه‌ای از داماد به عروس در زمان عقد پرداخت می‌شود و معمولاً مبلغ آن نمایین است. بر اساس قانون شریعت اسلامی مالزی (قانون خانواده اسلامی مصوب ۱۹۸۴)، مهریه یک تعهد قانونی است، اما پرداخت نکردن آن معمولاً از طریق دعاوی مدنی پیگیری می‌شود و حبس به ندرت اعمال می‌شود. در مالزی، نفقه پس از طلاق اهمیت زیادی دارد و دادگاه‌ها بیشتر بر تأمین مالی زن پس از جدایی تمرکز دارند تا مجازات کیفری مرد و بر خلاف ایران که مهریه عمدتاً مسکوک است، مهریه در مالزی اغلب به‌صورت نقدی و در زمان عقد به صورت تمام و کمال پرداخت می‌شود و کمتر به‌عنوان یک نهاد حقوقی در ایام زناشویی استفاده می‌گردد.

از منظر تطبیقی، نظام حقوقی ایران در میان کشورهای فوق، تنها کشوری در میان موارد بررسی شده است که ضمانت اجرای کیفری (حبس) را برای پرداخت نکردن مهریه تا سقف مشخص (۱۱۰ سکه) پیش‌بینی کرده است، هرچند که ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده با پذیرش اعسار، رویکردی تعدیل‌شده در پیش گرفته و حبس به صورت مشروط بوده و به دیدگاه حقوقی حاکم در قوانین حوزه خانواده کشور مصر نزدیک است. با این حال در ترکیه، نظام حقوقی حاکم، مهریه را به حاشیه رانده و ضمانت‌های اجرایی عقد ازدواج صرفاً مدنی هستند. در مصر و مالزی، تمرکز بر ابزارهای مدنی نظیر توقیف اموال است و حبس به‌عنوان ضمانت اجرایی مستقیم کاربرد محدودی دارد. حق حبس نیز در ایران ابزار حقوقی مؤثری برای زوجه است و در مصر و مالزی این حق محدودتر و مشروط به شرایط خاص است.

از طرفی برخی آرای حقوق‌دانان در خصوص تعدیل حقوق زوجه در عقد ازدواج، مواردی را مطرح می‌کنند که چنانچه بخواهیم مسأله حق حبس زوجه و ضمانت‌های کیفری موجود را تضعیف کنیم باید در نظام حقوقی تعدیل ایجاد کنیم؛ برایین بنیاد، می‌توانیم یک مقایسه اجمالی به طور مثال به اخذ تضمین‌های مالی، دریافت مهریه حین‌العقد و حق طلاق زن در این چهار کشور داشته باشیم: زن در ایران، حق طلاق اصولاً با مرد است (ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی)، اما زن می‌تواند با شرط عقد به صورت گرفتن وکالت در طلاق، این حق را کسب کند. در مصر، بر اساس قانون احوال شخصی (آخرین اصلاحات سال ۲۰۰۰)، زن از طریق «خلع» می‌تواند با بازگرداندن مهریه با توافق مالی طلاق بگیرد، اما حق طلاق مستقل ندارد. در ترکیه طبق قانون مدنی، طلاق را برای هر دو طرف با شرایط برابر از طریق مراجعه به دادگاه ممکن ساخته و زن می‌تواند به دلایل قانونی مانند خیانت یا خشونت درخواست طلاق دهد و در مالزی، مطابق با قانون خانواده اسلامی به زن اجازه می‌دهد در مواردی مانند پرداخت نفقه یا سوءرفتار از طریق «فسخ» یا «خلع» طلاق بگیرد، اما نیاز به تأیید دادگاه دارد. با توصیفات که آمد، ایران و مصر رویکردهای نسبتاً مشابه دارند و موضوع مهریه در این دو کشور برجسته‌تر است. در حالی که ترکیه با توافقات مالی و مشابه یک قرارداد با موضوع مهریه مواجه شده و مالزی نیز به شیوه‌ای متفاوت و با دریافت مهریه متعادل در زمان ازدواج، به نوعی تعادل نظام دریافت مهریه را برقرار می‌کند و این خود نشانگر تنوع در تفسیر و اجرای نهاد مهریه در نظام‌های حقوقی مختلف است که اینجا در مورد چهار کشور مسلمان بحث شد. نهایتاً آنچه که در پس موضوع مهریه باید به بررسی ما غنا بخشد، در نظر گرفتن غبطه زوجه در خانواده با لحاظ راهبردی است که بتوان از این مسیر، هم استحکام بنیان خانواده را تضمین کرد و هم تعدیل شرایط، گرفتن تضمین‌ها و پرداخت مهریه عادلانه حین عقد نکاح بتواند میزان زیادی جنبه کیفری مهریه را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

نقدی بر طرح جدیدی که پشتوانه زنان را نشانه رفته است

مهریه، تنها تضمین زن برای رسیدن به حقوق خود

زنان و دختران از سوی مردان هستیم، چنین موضوع مهمی به کنار رفته و بحث کاهش سقف مهریه مهم شده است. امروز نمایندگان، که امر خصوصی درون خانواده‌ها را به دغدغه خود تبدیل کرده‌اند درحالی که مسائل بسیار مهم‌تری در این حوزه وجود دارد که باید و شایسته است به آنها پرداخته شود.

این فعال و پژوهشگر حوزه زنان در ادامه توضیحات خود اضافه می‌کند: «مهریه تنها تضمین زنان برای رسیدن به حقوق خود در خانواده است. نباید این تنها حق را از آنها دریغ کرد و آنها را از یکی از حقوقی که شرع و قانون و عرف به آن پایبند است، محروم کرد. اینجا یک سؤال مهم را باید از نمایندگان مجلس پرسید که چگونه می‌توان حقوق زنان را با استفاده از ظرفیت‌هایی که قانون در اختیارشان قرار می‌دهد، به مسأله‌ای نگران‌کننده برای زنان و خانواده‌ها ایجاد کند؟ بدون شک برای حل این مسأله هم زنان و

خانواده‌های آنها راه‌های جایگزینی را انتخاب خواهند کرد و این مسأله ممکن است تبعات پیش‌بینی نشده‌ای را هم با خود به دنبال داشته باشد. از جمله اینکه خانواده دختر درخواست پشتوانه‌های جایگزین از مرد داشته باشند، چون نمی‌خواهند دخترشان بدون پشتوانه مالی ازدواج کند.» نژادبهرام در پایان توضیح می‌دهد: «مسأله کاهش مهریه هم دختران و هم زنان را دچار دغدغه‌هایی درباره موضوع پشتوانه اقتصادی می‌کند و این اتفاق اصلاً پیامدهای خوبی را به دنبال ندارد. با این چنین فشاری بار حقوقی و اقتصادی زندگی کاملاً بر دوش زنان می‌افتد کما اینکه بار اجتماعی سنگینی هم در حال حاضر بر زنان تحمیل شده است. نباید و نمی‌شود یکطرفه رأی به نفع مردان صادر کرد و این بار سنگین اقتصادی، حقوقی و اجتماعی را تنها بر دوش زنان گذاشت، چون به هیچ عنوان منطقی و به صلاح بنیان خانواده‌ها نیست.»

راننده شده‌اند. او در ادامه اضافه می‌کند: «رود به مسأله مهریه، موضوعی خانوادگی و توافقی است، نتایج منفی و زیان باری را با خود به همراه دارد و در نهایت هم خانواده‌ها را دچار مشکلات عدیده‌ای خواهد کرد تا جایی که مجبور می‌شوند از روش‌های جایگزینی برای حل مشکل جدید مهریه استفاده کنند. تنها نتیجه‌ای که طرح جدید مهریه با خود به همراه دارد، همین نتایج منفی است.» این فعال حوزه زنان با اشاره به اینکه مهریه مسأله‌ای خانوادگی، خصوصی و توافقی است، توضیح می‌دهد: «مهریه میان زن و مرد و بین خانواده در ظرف مطرح می‌شود، ورود دیگران به این عرصه‌ها بجز اینکه خانواده‌ها را دچار مشکل کند، آنها را مجبور می‌کند که از راه‌های دیگری این مسائل را پیگیری کنند. اصلاً این قضیه تا اندازه‌ای بزرگ نیست که قوه مقننه به آن ورود کند. درست است که تعداد و میزان مهریه می‌تواند آسیب‌هایی را با خود به دنبال

داشته باشد. با این همه موضوعی است که به خانواده‌ها باز می‌گردد و جامعه‌ی می به صورت کلی ندارد.»

به اعتقاد نژادبهرام، بسیاری از مسائل حوزه مهریه به موضوعات فرهنگی و اجتماعی باز می‌گردد و باید در آنها کارهای آموزشی را سرلوحه برنامه‌ریزی‌های این حوزه قرار دهیم و در بحث فرهنگ‌سازی و ارتباطات اجتماعی بررسی کنیم. او می‌گوید: «باید آموزش‌هایی را در پیش بگیریم که به استحکام و بقای خانواده‌ها کمک کند نه اینکه فوراً بخواهیم سراغ قانون برویم. قانونگذاری باید بر اساس نیازهای جامعه باشد و امکان اجرای آن هم وجود داشته باشد. این طور نیست که هر موضوع و مسأله‌ای پیش آمد، سراغ وضع قانون یا تغییر آن برویم. مسأله مهریه را به

خانواده‌ها و عرف اجتماعی واگذار کنید و به مسائل بسیار مهم‌تری در حوزه زنان بپردازید. وقتی این حجم از خشونت علیه زنان زیاد شده و هر از چندگاهی شاهد قتل‌های فجیع

پس از جاری شدن عقد ازدواج، مهریه یک دین بر عهده مرد است و بر اساس قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، اگر مدیون به پرداخت آن مال اقدام نکند و اموالی از او برای وصول وجود نداشته باشد، جلب می‌شود و تا زمان پرداخت یا اثبات در ناتوانی پرداخت، در بازداشت می‌ماند. حالا چند وقتی است که موضوع کاهش سقف مهریه در مجلس شورای اسلامی شدت گرفته است، اتفاقی که یک بار هم در ابتدای دهه ۹۰ افتاد و برای این موضوع تا سقف ۱۱۰ سکه مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت مالی شد. این روزها صحبت کاهش دوباره این سقف به ۱۴ سکه به میان آمده است. این طرح به دلایل مختلفی از جمله کاهش آمار زندانیان و از میان برداشتن اهرم تهدید مردان در نظام خانواده، مطرح شده است. در واکنش به این موضوع هم چندی پیش زهرا بهروزآذر، معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده نسبت به اصلاح ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و کاهش سقف اجرایی مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه هشدار داد و با نقد ابعاد فقهی، حقوقی و اجتماعی آن، پیشنهاد جایگزینی برای اصلاح این ماده ارائه کرد. جایگزین‌هایی با هدف تقویت نهاد خانواده، افزایش آگاهی حقوقی زوجین و ایجاد توازن میان حقوق زن و مرد.

زهرا نژادبهرام، فعال حوزه زنان با اشاره به اینکه مهریه موضوعی توافقی است، به «ایران» می‌گوید: «زن و مرد باید در خصوص مهریه با یکدیگر توافق داشته باشند، اصل مهریه بر این موضوع بنا نهاده شده است و کلاً طرحی که در مجلس مطرح شده است، موضوعیتی ندارد. این در حالی است که بسیاری از موارد مهم دیگری که چندین سال است در مجلس هستند، رسیدگی نمی‌شوند و به قولی خاک می‌خورند. موضوعی مانند لایحه منع خشونت علیه زنان باید نیمه کاره رها شود و موضوعات جدیدی مانند مهریه که موضوعیتی ندارند باید به میان آورده شوند.»

به گفته این پژوهشگر حوزه زنان، مسائل بسیار مهم‌تری در حوزه زنان وجود دارند که به آنها توجهی نمی‌شود. موضوعاتی مانند اشتغال زنان و مسأله امنیت اجتماعی زنان به کناری



کتابون مصری: بعید می‌دانم این طرح نتیجه بگیرد

خیلی وقت‌ها بلاجرای می‌ماند و اگر اجرا شود باعث ظلم مضاعف به زنان است.»

او در پاسخ به این سؤال که بنابراین کاهش سکه نمی‌تواند منجر به کاهش طلاق شود؟ می‌گوید: «به هیچ عنوان، اتفاقاً این کار طلاق را تسریع می‌کند، این روزها که حجم بالایی از طلاق‌ها توافقی انجام می‌شود، در بسیاری از مواقع زن تمام حق و مهریه خود را می‌بخشد و در بسیاری از پرونده‌های طلاق، زن مهریه خود را نمی‌گیرد و اتفاقاً هرچقدر هم میزان مهریه پایین بیاید، طلاق راحت‌تر انجام می‌شود. حتی کسی که استطاعت آتجنانی ندارد از ۱۴ سکه هم می‌گذرد، بنابراین طرح مذکور با مفهوم تحکیم خانواده همخوانی ندارد. برخی از دختران ما اصلاً مهریه نمی‌خواهند ولی آیا باید دید که پسران نیز در این شرایط جامعه تعدیل به ازدواج دارند؟ در حال حاضر مشکلات متعدد اقتصادی از آمار ازدواج کاسته است، به گفته او، وقتی حقی که به زن اختصاص دارد و دین خدا هم آن را حلال کرده به بهانه دغدغه استحکام خانواده از او می‌گیریم، پس شک نکنید که با این اقدام، طلاق خیلی راحت‌تر هم انجام می‌شود.»

او در واکنش به حکم پابند الکترونیک می‌گوید: «کسی که به جای حبس می‌گردد، چنین طرحی را تصوب می‌کند روابط میان اعضای خانواده رابطه پدر و

فرزند و رابطه زن و شوهری را نادیده می‌گیرد. این چه طرحی است که پدر به خانواده برگردد اما پابند داشته باشد. اثرات روحی و روانی زیادی به دلیل پابند ایجاد خواهد شد. اگر نفرتی که نسبت به مادر پدر یا ایجاد شده و خصومت‌هایی که افزایش پیدا می‌کند را هم کنار بگذاریم؛ آیا آن مرد که توان پرداخت مهریه نداشته مگر جانی و قاتل است که پابند داشته باشد؟ این کار وجهه خوبی ندارد و از اقتدار پدر و محبوبیت مادر کم می‌کند. عقده‌گشایی دو طرف در خانواده زیاد می‌شود و فرزندان آسیب زیادی می‌بینند. همچنین به زور نگه‌داشتن ساختار یک خانواده با پابند الکترونیک ممکن نیست.»

آن افزایش زندانیان مهریه هستیم، قاعداً باید علت را در باورهای عرفی جست‌وجو کرد و دید عرف جامعه چطور به این نتیجه رسیده که با مهریه سال تولد امنیت اقتصادی یک زن را می‌توان تأمین کرد؟ وگرنه قانون آن هم از نوع قوانین بازدارنده فقط روی کاغذ می‌ماند و باز هم می‌بینیم که طلاق‌های توافقی، مهریه‌های بالا و عدم تمایل به ازدواج وجود دارد.»

ریشه مشکلات در اقتصاد است

به عقیده این پژوهشگر، طلاق‌های توافقی سیر صعودی داشته‌اند و کاهش مهریه کمکی به این موضوع نمی‌کند. وی می‌گوید: «وقتی مجلس یک طرحی را در سطح کلان بررسی و بیان می‌کند، نمی‌ای طرح به سطوح مختلف ازدواج هستند انتظار دارند این طری به شکل کارشناسی انجام شود. در حالی که از قبل مهریه به میزان ۱۱۰ سکه کاهش یافته اما بازهم طلاق‌های توافقی سیر صعودی و سن تجد طقهی افزایش داشته است. بازهم تأخیر در ازدواج در جوانان و عدم تمایل به فرزندآوری به قوت خود باقی است بنابراین باید به نمایندگان مجلس گفت مشکل کاهش یا حذف مهریه نیست بلکه ریشه در اقتصاد و شرایط فرهنگی دارد.» او با تأکید بر اینکه زن حق قانونی زیادی ندارد، می‌گوید: «یک زن در دنیای امروز چه حقوقی دارد؟

در حال حاضر چه چیزی به زن داده می‌شود تا مهریه‌ای که تنها پشتوانه زن است از او دریغ شود؟ ۱۴ سکه که هیچ اگر سال آینده مهریه را هم به ۵ سکه برسانند تا هزینه زندانیان مهریه کم شود، نباید تعجب کرد.» این پژوهشگر حوزه زنان با تأکید بر اینکه آگاهی زنان امروز بالا رفته است، می‌گوید: «این طرح متناسب با عرف، خواسته‌های عرفی و آگاهی زنان امروز نیست مگر اینکه بپذیرند اگر می‌خواهند مهریه را تعدیل کنند به همان میزان باید به حقوق یک مادر، زن و همسر توجه داشته باشند. زمانی می‌توانند این حق را از زن بگیرند که امتیازی به او بدهند. در غیر این صورت فقط ضایع شدن مکرر حق زنان را شاهد هستیم مانند سایر قوانینی که



بهداری: در مصر و مالزی، تمرکز بر ابزارهای مدنی نظیر توقیف اموال است و حبس به‌عنوان ضمانت اجرایی مستقیم کاربرد محدودی دارد. حق حبس نیز در ایران ابزار حقوقی مؤثری برای زوجه است و در مصر و مالزی این حق محدودتر و مشروط به شرایط خاص است



مصری: اثرات روحی و روانی زیادی به دلیل پابند ایجاد خواهد شد. اگر نفرتی که نسبت به مادر یا پدر ایجاد شده و خصومت‌هایی که افزایش پیدا می‌کند را هم کنار بگذاریم: آیا آن مرد که توان پرداخت مهریه نداشته مگر جانی و قاتل است که پابند داشته باشد؟